

ده طنز برگزیده



نام خودتان را می‌گذارید تا بدین وسیله خودتان را در احساس خوب ارتقای سطح علم بشریت شریک بدانید!

۱. به پسرم درس بدهید!

رویا صدر / آذر ۱۳۹۵-۱۳۹۴



در کار تدریس به فرزندم ملایمت به خرج دهید؛ مبادا چینی و بلور نازک و دست‌ساز تنهایی او خدای ناکرده ترک بردارد و بشکند. من به‌عنوان فاتح سرزمین آشور به شما تأکید می‌کنم که او برده شما نیست. به او در هر حال اجازه اظهار نظر بدهید؛ حتی اگر به قیمت نچ‌نچ و اعتراض بچه‌های دیگر تمام شود. با گفتن عبارات زشتی مثل «این حرف‌ها چه ربطی به درس دارد» و «وقت کلاس را نگیر» ذوقش را سرکوب نکنید. به او اجازه بدهید که با اظهار نظرهای خودش وقت کلاس را بگیرد. او را تشویق کنید حرف‌های بی‌ربط بزند بلکه شکوفا شود. ناسلامتی ما قبض‌های کمک به مدرسه را پر می‌کنیم.

۳. مدرسه هوشمند یعنی...

رویا صدر / فروردین ۱۳۹۲-۱۳۹۱

محلی که در آن به تجهیزات رایانه‌ای دست نزنید، خراب می‌شود!
محلی که شعار «هر دانش‌آموز یک لپ‌تاپ» معمولاً در حال دگردیسی به هر ۴۰ دانش‌آموز یک تخته سیاه است.
محلی برای اعاده حیثیت از گچ پلیکان.
محلی که تجهیزات آن، یاد دست تعمیر است یا در حال نصب!
محلی که در آن سنت و مدرنیته، در عصر گچ و تخته سیاه به هم می‌رسند!
محلی برای خدمت به اولیای عزیزی که اهل پز دادن جلوی در و همسایه، و سر و همسر هستند.

۲. بگویند چگونه برای رشد مدرسه فردا مقاله می‌نویسید تا بگویم چه‌طور آدمی هستید؟

رویا صدر / اردیبهشت ۱۳۹۳-۱۳۹۴

اگر مطلب ارسالی‌تان را عیناً از جایی کپی می‌کنید و فقط نام نویسنده را برمی‌دارید و نام خودتان را جای آن می‌گذارید، از نظر روان‌شناسی جزو افراد سخاوتمند و مشارکت‌جو هستید که وقتی از خواندن مقاله‌ای لذت بردید، دوست دارید دیگران را نیز در این لذت سهیم کنید؛ حتی اگر به قیمت به خرج دادن زحمت «کپی - پیست» باشد. شما به جای نام نویسنده،

۴. نامه‌های مادری به پسرش و برعکس

رویا صدر / مهر ۱۳۹۲-۱۳۹۱

الان دیگر دوره و زمانه عوض شده مدرسه هم مدرسه‌های قدیم که چوبی بود و فلکی و تخته و گچی. با گچ‌ها چه روزگاری داشتیم! چه قدر زده باشند نوبی سرمان خوب است؟ نه حرفی داشتیم نه ادعایی. برق نبود، نبود. گچ خوب نبود، نبود. سال به سال احوالمان رانمی‌پرسیدند. سالی یک بار، آیا رنگمان می‌کردند. آیا نمی‌کردند. دلمان خوش بود به دو تا گچ پلیکانی که تازه آیا گیر می‌آمد یا گیر نمی‌آمد. خوش انصاف‌ها

با گج ساختمان می‌آمدند سراغمان و تنمان را خط‌خطی می‌کردند و خش می‌انداختند. اما از دیوار صدا در می‌آمد، از مادر نمی‌آمد.



مثل شماها نبودیم که صدا دارید این هوا، ادا و اطوارتان خریدار دارد. خوش به حالتان است. اگر روزی ویروسی چیزی بیاید، کل دستگاهتان به هم می‌ریزد. زود قاطی می‌کنید و باید تعمیر کار بیاورند تا دوباره راهتان بیندازد. باید برنامه‌ای از نو برایتان بریزند. سیستم را عوض کنند. ما ۲۴ ساعت شبانه‌روز می‌ایستادیم تنگ دیوار، چه می‌دانستیم ویدیو پروجکشن چیه؟ چه می‌دانستیم رایانه و سناریوی آموزشی و مدرسه هوشمند چیه؟ با این حال چهار ستون بدنمان سالم بود. عیب و ایراد نداشتیم. آخ نمی‌گفتیم. هوای خوب، خوراک سالم. الان گج‌ها هم قلبی شده‌اند. لابد از چین می‌آورند. اصلاً قوت ندارند. حالا بگذریم. چه بچه‌هایی که یک لنگه پا کنار ما تا زنگ تفریح ایستادند و تنبیه شدند و به جامعه خدمت کردند. چه بچه‌هایی که پای ما، خط‌کش خوردند و آدم شدند و به آغوش جامعه برگشتند. چه بچه‌های درس نخوانی که از ترس اینکه پای ما بیایند، خودشان را به مریضی زدند و درس نخواندند. آخرش هم الحمدلله به مدارج عالی رسیدند. خلاصه مادر، این‌ها را گفتم تا بدانی باید فکر خودت باشی. زیاد به خودت فشار نیاور. خدمت به بچه‌های مردم هم حدی دارد. پیشرفت حدی دارد. اگر پس‌فردا یک چیزی بشود، چه کسی می‌خواهد جمعیت کند؟ قربانت - مادرت، تخته سیاه

۵. رام کردن خرگوش سرکش در اینترنت

رویا صدر / بهمن ۱۳۹۱-۱۳۹۰

برداشت اول

خرگوش ایمیل زد که: «مهمونی فردا یادت نره- دوستت، خرگوش.»

ولی موقع تایپ نشانی، حروف را جابه‌جا نوشت و ایمیل رفت

به نشانی روباه. اما روباه که پای اینترنت نشسته بود و داشت ایمیل‌هایش را کنترل می‌کرد، خوب خورده بود و به اندازه کافی هم غذا برای یک هفته ذخیره داشت. از این‌رو دچار استغنائی جسمی و روحی بود و اصولاً تا اطلاع ثانوی نیازی به دوستی با خرگوش نمی‌دید. این بود که اخلاق به خرج داد و ایمیل زد: «خرگوش عزیز، اشتباه گرفته‌ای، من یک روباهم.»



خرگوش خندید و جواب داد: «تو از اول هم قریحه شوخی داشتی... مهمونی فردا یادت نره.»
روباه که روباهی جدی و متفکر بود و اصولاً با شوخی میانه‌ای نداشت، برای اینکه ثابت کند با خرگوش شوخی ندارد، سر قرار رفت...

۶. بازی‌های رایانه‌ای برای دانش‌آموزان

رویا صدر / دی ۱۳۹۴-۱۳۹۳



در این بازی، فرد در نقش یک دانش‌آموز یا دانشجو باید با استفاده از کیبورد، پروژهای را به اتمام برساند که تحمل نگاه و مرور معلم یا استاد را داشته باشد و اگر معلم یا استاد ببورد، او باخته است. البته باید دقت کرد که در هر مرحله بودجه مشخصی برای طلق و شیرازه و ورق و سی‌دی و ظرفیت اینترنت و پهنای باند به بازیکن داده می‌شود و او نمی‌تواند بیشتر از آن خرج کند. این بازی را می‌توان به سادگی و به‌طور مجانی از اینترنت دانلود کرد و با حجم بسیار کمی که دارد، هر کسی می‌تواند به سرعت آن را تهیه کند. می‌توان آن را



خواب داره، نه خوراک. نه مهمون حالیشه، نه هی می گه بریم مهمونی. از پای رایانه جم نمی خوره. خدا خیر بده مخترعشو که باعث شد ما بتوانیم از دست بچه‌ها یه نفسی بکشیم.

۹. معماهای رایانه‌ای

رویا صدر / آبان ۱۳۹۴-۱۳۹۳

- تفاوت مدرسه هوشمند با غیرهوشمند چیست؟

- در تابلوی سردرشان.

- وجه ممیزه مدرسه هوشمند و غیرهوشمند از نظر امکانات

چیست؟

- چند دستگاه رایانه و ویدیو پروژکشن که در کمد یا روی

میز خاک می خورند....

- تفاوت «سی پی یو» با میز ناهارخوری در مدارس هوشمند

چیست؟

- هیچ. معمولاً کارکردهای یکسان دارند.

۱۰. کلمه‌ها و ترکیب‌های مستندسازی

رویا صدر / دی ۱۳۹۱-۱۳۹۰



مستندسازی: «ما اینیم!» در دوران باستانی برای ثبت و انتقال تجربیات سازمانی و ارتقای سطح مدیریت به کار می‌رفته است، ولی در جوامع پیشرفته امروز کاربردهای گسترده‌تری نیز دارد و از ضروریات رونق بازار کارکنان دوایر بایگانی مناطق و سرنشینان بیک‌های موتوری است و قادر است نمودارهای آماری و بیلان‌های کاری را تا عرش اعلا و آسمان هفتم بالا برده، بشریت را ذوق‌مرگ کند.

به دانش‌آموزانی معرفی کرد که واقعاً فرصت محدودی برای انجام تکالیف درسی دارند و دلشان نمی‌آید وقت گران‌بهایشان را - که می‌تواند صرف مسائلی از قبیل فیس‌بوک و گشت‌وگذار بی‌هدف در اینترنت و اینستاگرام و توئیتر و سایت‌های مفید و نیمه مفید شود- با انجام تکالیف درسی به هدر دهند.

این بازی سه مرحله دارد: گوگل سرچ، کیپی و پیست. هر دقیقه صرفه‌جویی در وقت، یک امتیاز دارد و مخاطب برای هر صفحه اضافه کردن به پروژه، دو امتیاز جایزه می‌گیرد.

۷. عقده به دلم موند صفحه هوشمند توی انباری مدرسه‌ام باشد!

رویا صدر / دی ۱۳۹۵-۱۳۹۴



جاذب گیاه‌خوار و میوه‌خوار بوده و بر همین اساس، نام شرکتش را «پل» گذاشته است اما منابع نزدیک به در و همسایه می‌گویند او همیشه برای سیب (به‌خصوص سیب گلاب) ارزش فراوانی قائل بوده و اعتقاد داشته سیب اتفاقی است که می‌افتد و کودهای شیمیایی نمی‌گذارند به راحتی عمل بیاید. او بر همین اساس کمپین «من از کودهای شیمیایی متنفرم» را در فضای مجازی به راه انداخته تا بشریت برای همیشه این پدیده مخرب را وداع گوید. پیج این کمپین در فیس‌بوک با ۲۴۶،۳۸۹،۹۴۶ عضو، رکورد پیج «من از خم بینی‌های عقابی آدم‌های مارمولک صفت متنفرم» را پشت‌سر گذاشته و توانسته سرفصل نوینی را در فناوری تولید لایک و پیج در فیس‌بوک بگشاید. از سرنوشت کودهای نام‌برده اطلاعی در دست نیست...

۸. اولین بار چه‌طور با رایانه آشنا شدید؟

رویا صدر / مهر ۱۳۹۴-۱۳۹۳

وا... چی بگم؟! از وقتی پاش به این خونه باز شد، باهاش آشنا شدم. من که راضی‌ام ازش. از وقتی اومد اینجا، از دیوار صدا در میاد، از بچه‌ام در نمی‌یاد. انگار نه انگار زنده است. یک بند می‌شینه پاش. قبلنا مدام یا بپرپر می‌کرد یا هی می‌رفت دست می‌کشید سر و روی این یخچال لامصب! مثل اینکه یخچال حاجت می‌ده! ولی خدا رو شکر چشم بد دور، از وقتی اون اومده، این بچه نه